انسان طلسم اعظم است ولکن عدم تربیت او را از آنچه با او است محروم نموده بیک کلمه خلق فرمود و بکلمهٴ اخری بمقام تعلیم هدایت نمود و بکلمهٴ دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود حضرت موجود میفرماید انسان را بمثابهٴ معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما بتربیت جواهر آن بعرصهٴ شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد انتهی

اگر نفسی در کتب منزلهٴ از سماء احدیّه بدیدهٔ بصیرت مشاهده نماید و تفکّر کند ادراک مینماید که مقصود آن است جمیع نفوس نفس واحده مشاهده شوند تا در جمیع قلوب نقش خاتم الملک للّه منطبع شود و شموس عنایت و اشراقات انجم فضل و رحمت جمیع را احاطه نماید حقّ جلّ جلاله از برای خود چیزی اخذ ننموده نه از طاعت عالم باو نفعی راجع و نه از ترک آن نقصی وارد در هر آن طیر ملکوت بیان باین کلمه ناطق جمیع را از برای تو خواستم و تو را از برای خود اگر علمای عصر بگذارند و من فی الأرض رائحهٴ محبّت و اتّحاد را بیابند در آن حین نفوس عارفه بر حرّیّت حقیقی آگاه شوند راحت اندر راحت مشاهده نمایند آسایش اندر آسایش اگر ارض بانوار آفتاب این مقام منوّر شود اذاً یصدق ان یقال لَا نَرَی فِیْهَا عِوَجًا وَ لَا أَمْتًا...